

تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران

(۱۴)

رکن‌الدین همایونفرخ

۱۵۰ - کتابخانه ژنده‌پیل : ابونصر احمد بن ابی‌الحسن نامقی جامی معروف به ژنده‌پیل متولد سال ۴۱۸ هـ. و در گذشته سال ۵۳۴ - و مدفون در جام. عارفی بنام و سخنگوئی عالیمقام است. این عارف بیدار دل در زمان حیات محضرش قبله‌گاه عاشقان و پس از ممات آرامگاهش مطاف دلسوختگان و طالبان وادی حقیقت و طلب بوده است .

شیخ جام در دوران زندگی خانقاهی داشت که عاشقان حق را راهنمایی و ارشاد میکرد و پس از اینکه بجوار رحمت ایزدی پیوست در همان خانقاه بخوابگاه ابدی آرמיד . در خانقاه او که مدرسه‌ای برای اهل دل بوده است کتابخانه‌ای وجود داشته و اینک ما از کتابهایی که بر کتابخانه آرامگاهش وقف شده بوده است آگاه میشویم از جمله میتوان از تفسیر گرانقدر ابوبکر عتیق بن محمد نیشابوری سورآبادی هروی یاد کرد که در عهد سلجوقیان میزیسته است .

ابوبکر عتیق تفسیرش را بسال ۴۸۰ بیابان آورده بود این تفسیر نفیس اکنون در چهار مجلد در موزه ایران باستان نگاهداری میشود که تا سال ۱۳۱۶ در کتابخانه آرامگاه شیخ قرار داشته است^۲ در صفحات اول هر یک از مجلدات چهارگانه شیخ الاسلام ابوالفتح محمد بن شمس‌الدین مطهر بن نامقی جامی آنرا بکتابخانه آستانه شیخ ژنده‌پیل در نیمه رجب سال ۶۵۴ هـ . وقف کرده بوده است و این اثر نشان میدهد که تا سال ۶۵۴ کتابخانه آستانه ژنده‌پیل دائر و برقرار بوده است .^۳

۱۵۱ - کتابخانه مدرسه فخرالدین ابوبکر در شیراز : امیر فخرالدین ابوبکر بن ابونصر حوایجی از وزرای اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی بوده است ، او یکی از مردان با درایت و وزرای با کفایت سلغریان بود ، در علو همت و سخا و کرم و نیکخواهی برای مردم و رعایت و تربیت اهل دانش و فضل و ایجاد واحداث آثار و ابنیه خیر بی نظیر بود و مانند نداشت ، تاریخ و صفای شمه‌ای از اعمال و افعال نیک این وزیر را در تاریخ خود آورده و مورخان دیگر نیز آنرا تأیید کرده‌اند^۴ . در مورد میزان و مقدار آن متذکراند که در زمان او (۶۹۹ هـ . ق .) « از اشخاص رقبات خیر او آنچه امروز معمور و مزین است و مراسم درس و تلقین و وعظ و تذکیر

۱ - تاریخ گزیده ص ۶۹۲ تاریخ بیهق ص ۲۴۸ .

۲ - چند قصه از این تفسیر را آقای دکتر مهدی بیانی بسال ۱۳۱۸ نشر داده‌اند .

۳ - یک نمونه مستند از اینکه خانقاههای ایران کتابخانه داشته‌اند همین مورد است .

۴ - و صاف ص ۱۶۰ - ۱۶۱ .

در آن معین و ذخایر املاک که در سلك و قفیه کشیده هنوز زیادت از سی هزار دینار زر رایج در سالی ارتفاع آن است با وجود تغلب و تعدی بیگانگان و فساد و تصرف فرزندان^۵ .

مدرسه او بنام مدرسه ابونصر و یا ابوبکر در شیراز مدت‌ها مجمع و محفل تربیت دانشوران می‌بود و کتابخانه آن از کتابخانه‌های معتبر شیراز بشمار میرفت ، گرم و سخا و دانش‌پروری این وزیر با تدبیر مورد ستایش شیخ سعدی قرار گرفته و از او در مقدمه گلستان جاویدانش پس از ستایش ابوبکر و پسرش سعد بعد از تبجیل و تعظیم چنین یاد میکند «دیگر عروس فکر من از بی‌جمالی سر بر نیارد و دیده یأس از پشت پای خجالت بر ندارد و در زمره صاحب‌دلان متجلی نشود مگر آنکه که متحلی گردد بزور قبول امیر کبیر عادل . . .»

۱۵۲ - کتابخانه شمس‌الدین محمد جوینی معروف بصاحب‌دیوان : از وزرای دانشمند و دانش‌پرور ایران است و او را باید یکی از کسانی دانست که در احیای خرابیهای دوره مغول و بخصوص ترویج زبان و ادب فارسی کوشش و مجاهدتی بسیار کرد و توجه او بدانشمندان و سخنوران و تعظیم و تکریم از ایشان بار دیگر سبب احیای مدارس و گرمی بازار فضل و هنر گردید، این وزیر کم‌نظیر بر اثر دسائسی در چهارم شعبان سال ۶۸۲ در نزدیکی اهر بفرمان ارغون‌خان مغول شهید شد ، ترجمه کامل و جامع او در مقدمه جلد اول جهانگشا آمده است .

برای معرفی او همین‌س که شیخ اجل سعدی قصایدی غمناک و شیوا در ستایش او سروده و ۲ رساله از شش رساله شیخ درباره روابط او با شمس‌الدین محمد جوینی است و هم‌چنین رساله‌ای از شیخ بنام رساله صاحب‌دیوان یا صاحبیه بنام این وزیر مزین است .

این وزیر فضل‌دوست و دانش‌پرور کتابخانه‌ای عظیم فراهم آورده بود که پس از شهادتش دستخوش تاراج و غارت گردید ، هنوز در کتابخانه‌های بزرگ جهان نسخه‌هایی که برای کتابخانه این وزیر کم‌نظیر استنساخ شده بوده است یادگار مانده و نمونه را نسخه‌ای از کتابخانه آصفیه دکن که سال ۶۴۰ هـ . تحریر یافته و کتبی است در علم موسیقی و ادوار معرفی میشود .

در پشت برگ نخستین کتاب در ترجمی زیبا چنین نوشته شده است « . . . من کتب المحدثین من بعدهم . . . خزانه الموالی الصاحب الاعظم . . . بشمس الاسلام والمسلمین مالک ازمة العلوم والآداب الموالی الصاحب الاعظم العادل المؤید المظفر المنصور صاحب السیف والقلم ملک الملوك الوزراء شرقاً و غرباً و قرباً باصلاح العالمین . . . المعالی صاحب‌دیوان الممالک و شمس‌الدین بهاء الاسلام والمسلمین محمد بن محمد الجوینی.»

۱۵۳ - کتابخانه عطا ملک جوینی : عطاءالله فرزند بهاء‌الدین محمد ملقب به علاء‌الدین عظاملک جوینی ، برادر شمس‌الدین محمد جوینی است . او نیز در عهد هلاکو و اباقا و تکویدار از (۶۵۷-۶۸۱) حکومت بغداد و عراق عرب و خوزستان را داشت او نیز بدسائس مجدالملک یزدی مورد غضب هلاکو قرار گرفت لیکن با تدبیر و وساطت خواجه نصیرالدین توسی از مهلکه نجات یافت و تا سال ۶۸۱ هـ . زندگی کرد و در نزدیکی دشت مغان در گذشت و در گورستان چرنداب تبریز مدفون شد ، این وزیر نیز مانند برادرش بدانش‌پروری و تکریم دانشمندان شهره آفاق بود در ادب و تاریخ از استادان مسلم است و بهترین سند این مدعا تاریخ جهانگشای اوست .

باشیخ اجل سعدی مناسبات خصوصی و دوستانه داشته و شیخ سعدی در قصائدی چند مراتب دانش و فضل او را ستوده است از جمله :

۵ - نظام‌التواریخ ص ۸۹ و تاریخ‌گریده ص ۵۰۷ و شیرازنامه ص ۵۹ .

۶ - جهانگشا جلد اول مقدمه بقلم دانشمند فقید محمد قرینی ص . س . سا .

هزارستان بر گل سخن‌سرای چو سعدی
وزیر مشرق و مغرب امیر مکه و یثرب
ایا رسیده بجائی کلاه گوشه قدرت
گر اشتیاق نویسم بوصف راست نیاید
تو قدر فضل شناسی که اهل فضلی و دانش

دعای صاحب عادل علاء دولت و دین را
که هیچ ملک ندارد چنو حفیظ و امین را
که دست نیست بر آن پایه آسمان برین را
کاز اشتیاق چنانم که تشنه ماء معین را
شبه فروش چه داند بهای در" نمین را

ودربیان نویسندگی و قدرت قلم او میفرماید :
چو بر صحیفه املی روان شود قلمش

زبان طعن نهد بر بلاغت سحبان

ودر مقام دانش‌پروری این وزیر سخن‌شناس کافی است گفته شود که شیخ اجل شهرت و معروفیتش
را مدیون توجه و عزت برادران صاحب‌دیوان میدانند و میفرماید :

اگر نه بنده نوازی از آن طرف بودی من این شکر نفرستادمی بخوزستان
مرا قبول شما ، نام در جهان گسترده مرا بصاحب‌دیوان عزیز شد دیوان

تاریخ جهانگشا از آثار مستند و گرانقدی است که وقایع از زمان خوارزمشاهیان را
تا سال ۶۵۸ در بر دارد عطا ملک همچون برادرش برای مطالعه و تهیه مآخذ و مدارک جهت تألیف
حنیفش کتابخانه‌ای بسیار گرانها بوجود آورده بود .

۱۵۴ - کتابخانه مدرسه عضدی شیراز : این مدرسه از مستحذات ترکان خاتون دختر
اتابک یزد قطب‌الدین محمود شاه و زن سعدین ابوبکر بن سعد بن زنگی ممدوح شیخ اجل سعدی
بوده است و در آنجا اتابک سعدین ابوبکر و اتابک محمد بن سعد و ترکان خاتون و اتابک ابش خاتون
مدفون شدند ، این مدرسه بنائی بسیار رفیع و عظیم بوده و قسمتی از آثار آن که هم‌اکنون بجا
مانده نشانه‌ای از عظمت بنای آن در دوران عمران و آبادیش است . این مدرسه نیز کتابخانه‌ای
داشته است ، دانش‌دوستی و خیرخواهی او موجب شد که شیخ سعدی او را در دو قصیده مدح
گفته است .

۱۵۵ - کتابخانه ربع رشیدی - تبریز : یکی از کتابخانه‌های نفیس و گرانقدر ایران
کتابخانه ربع رشیدی بوده است ، کتابخانه ربع رشیدی را باید یکی از کتابخانه‌های بزرگ و مهم
عمومی و کم‌نظیر ایران و جهان بشمار آورد ، بانی این کتابخانه بزرگ یکی از ادمردان و دانشمندان
بنام ایران است و بجاست در این تاریخچه از شرح حال و احوال بنیان‌گزار این کتابخانه عظیم
به تفصیل گفتگو شود .

خواجه رشیدالدین فضل‌الله فرزند عمادالدوله ابوالخیر همدانی کسی است که جدش با
خواجه نصیرالدین توسی در دژ اسماعیلیان که در قهستان واقع بود بسر می‌برد و پس از فتح آنجا
بدست هلاکوخان مغول بخدمت هلاکو درآمد .

رشیدالدین فضل‌الله جوانیش را در همدان به تحصیل دانش و بخصوص علم طب گذرانید
و سپس بعنوان پزشک بدستگاه اباقان راه یافت و تا وزارت غازان‌خان ارتقاء مقام گرفت و آنگاه
در دوران سلطنت اولجایتو و ابوسعید بهادرخان نیز وزیر بود سرانجام بفرمان ابوسعید شهید گردید.
از آنجائیکه غازان خان بتاریخ علاقه مفرط داشت به رشیدالدین فضل‌الله مأموریت داد
که تاریخ مغول را بنویسد : خواجه رشیدالدین فضل‌الله که بزبانهای - ترکی - مغولی - عربی
آشنائی داشت با استفاده از منابع مغولی تاریخ غازانی را نوشت و سپس بدستور اولجایتو به تدوین
و تألیف جامع‌التواریخ رشیدی که یکی از منابع مهم و قابل‌اعتماد تاریخ عمومی و بخصوص تاریخ
دوران مغول است پرداخت .

خواجه رشیدالدین فضل‌الله یکی از فضل‌دوست‌ترین وزرای ایران است و باینکه خود

نویسنده و محقق عالی‌مقام بود، معذالک شهرت او را باید مدیون توجه و علاقه مفرطش به تیمار خاطر علما و دانشمندان و عارفان دانست، او با ثروت سرشاری که داشت کتابخانه‌ها و مدرسه‌ها دارالشفاه - خانقاه‌های بسیار ساخت و مستغلات فراوانی بر آنها وقف کرد. سرمایه اودانشمندان در نقاط مختلف کشور پهناور ایران به تحریر و تألیف و تصنیف آثار بسیاری پرداختند که امروز هریک از آنها جزو مفاخر علمی و ادبی بشمارند.

در مکاتیب رشیدی که مجموع نامه‌های اوست. نامه‌ای میخوانیم که بفرزندش امیرعلی حاکم بغداد نوشته و او را موظف ساخته است برابر فهرستی که داده برای پنجاه و یک تن از فحول علما و مشاهیر زمان امثال، قاضی عضالدین ایجی - عبدالرزاق کاشی ریاضی‌دان شهیر - قطب‌الدین رازی - خواجه همادالدین تبریزی - اصیل‌الدین بن خواجه نصیر توسی - قطب‌الدین شیرازی - قاضی بیضاوی انعامی را که مقرر داشته است تقدیم دارد^۲ و در پایان مینویسد: «... بر این جمله برود و عدول نجوید و چون این ضعیف که خادم علمای زمان و چاکر افاضل دوران است مراجعت کند. اندر ارات و مواجب سالیانه علماء و قضات و سادات و وظائف مشایخ و حفظ قرآن و حکما و اطباء و شعرا و صاحبان اقالام ممالک ایران از سرحد آمویه تا سرحد آب‌جول و اقصای مصر و تخوم روم، چنانکه معهود بوده بر قاعده قدیم داده شود و نوعی کند که ایشان از سر رفاهیت بافادت و استفادت مشغول گردند و ما را بدعای خیر یاد کنند.»

ربیع رشیدی^۸ در حقیقت شهرکی بوده است که خواجه رشیدالدین فضل‌الله آنرا در جوار و کنار تبریز بنا کرد و برای آن مدرسه‌ای ساخت که کتابخانه این مدرسه بشرحی که خواهد آمد یکی از کتابخانه‌های معتبر و معظم ایران بوده است، ربیع رشیدی هم‌چنین دارای دارالشفاء و دارالسیاده بود و خواجه رشید برای آرامگاهش گنبد مجلل و زیبایی نیز طرح افکنده بوده است. کتابخانه مدرسه ربیع رشیدی در دو طرف بنای گنبد آرامگاه خواجه رشید در مدرسه رشیدی قرار داشته است و این از آن جهت بود که رشیدالدین خواجه فضل‌الله میخواست حتی پس از مرگ نیز در کنار و جوار کتاب و کتابخانه در خواب ابدی باشد و از شمیمه بهشتی کتاب و انفاس قدسی دانشمندان مستفید باشد و از جمله نفائس این کتابخانه هزار مجلد قرآن مجید بخط استادان و مشاهیر خوشنویسان خط بوده است. علاوه بر این هزار جلد، شصت هزار جلد کتاب دستنویس نفیس دیگر نیز وقف کتابخانه کرده بود که بطور اختصار بشرح آن می‌پردازیم:

خواجه رشیدالدین فضل‌الله در وصیت‌نامه‌ای که برای اطلاع مولانا صدرالدین محمد ترکه فرستاده است مینویسد: «... دیگر دو دارالکتب که در جوار گنبد خود از یمین و یسار ساختم، از جمله هزار مصحف در آنجا نهاده‌ام و وقف کرده‌ام بر ربیع رشیدی و تفصیل آن بدین - موجب است.

قرآن بحل طلا نوشته شده چهارصد جلد، قرآن بخط یاقوت ده جلد، قرآن بخط ابن‌مقلد هشت جلد، قرآن بخط سهروردی بیست جلد، قرآن بخط اکابر بیست جلد، قرآن‌هایی که بخط خوب نوشته شده است ۵۴۸ جلد، دیگر، شصت (۶۰۰۰۰) هزار مجلد کتاب در انواع علوم و تواریخ و اشعار و حکایات و امثال و غیره که از ممالک ایران و توران و مصر و روم و چین و هند جمع کرده‌ام. همه را وقف گردانیدم بر ربیع رشیدی.»

برای نگاهداری و اداره امور دارالشفاء و مدرسه و کتابخانه آن مینویسد: «... بیست هزار مرغ که بدست ده‌قاین و رعایای قراء مواضع تبریز و سلطانیه و همدان سپرده‌ام و وقف کرده‌ام.»

خواجه رشیدالدین فضل‌الله ضمناً از نظر اینکه آثارش دستخوش حوادث و نابودی نشود از کلیه آنها بدو زبان عربی و فارسی صدها نسخه استساخ کرد و برای کلیه شهرهای ایران فرستاد تا در کتابخانه‌های مدارس محفوظ بمانند.

۷ - مکاتیب رشیدی ص ۵۶ - ۶۹.

۸ - ربیع رشیدی در مرحله شش‌گلان و باغ بیشه امروز تبریز قرار داشته است.

در کتابخانه مدرسه ربیع رشیدی از تألیفاتش نسخه‌های متعدد گذاشت و استنساخ از روی آنها را برای عامه آزاد کرد. و هم‌چنین از مجموع تألیفاتش نسخه ضخیمی فراهم آورد بنام جامع تصنیف رشیدی با نقشه و صورلازم و آنها را در کتابخانه رشیدی جای داد^۹ و موقوفاتی تعیین کرد تا هر سال از محل درآمد آن از هر یک از تألیفاتش دو نسخه بزبان فارسی و عربی بنویسند و برای شهرهای بلاد اسلام جهت اهداء بدان‌شمندان هر سامان بفرستند خوشبختانه در جزو کتابهای نفیس کتابخانه سلطنتی ایران مجموعه رشیدی که شامل کلیه آثار اوست مضبوط است.

حاسدان و بد اندیشان که بجاء و مال خواجه رشیدالدین حسد میورزیدند با انجام نقشه‌های خیانت‌آمیز ابوسعید بهادرخان را اغوا کردند و خون آن دانشمند عالیقدر را بناحق ریختند و دست بغارت و چپاول اموالش گشودند، او یاش و ارازل تبریز ربیع رشیدی را چند روز دستخوش نهب و غارت قرار دادند و در آن غوغای عام کتابخانه مدرسه نیز بغارت و بغما رفت و نسخه‌هایی از کتابهای بی‌نظیر آن کتابخانه که از حریق و نابودی مصون مانده بود در سراسر جهان پراکنده شد و نمونه را برای ابناى بشر از آن کتابخانه گرانقدر یادگار ماند. شومی خون خواجه رشید دامن ابوسعید را گرفت و سرانجامی ناگوار یافت.

۱۵۶ - کتابخانه صدرجهان : صدرجهان از معاریف دانشمندان ایران است کتابخانه صدرجهان معروفیت و شهرتی عالمگیر داشته، کتابهاییکه برای کتابخانه صدرجهان استنساخ و یا خریداری کرده بودند همگی در پشت برگ نخستین کتاب ترنجی بسیار زیبا در زمینه طلا و لآزورد دارند و در میان ترنج بمخط ترنجینی نوشته شده است: **العبد صدرجهان الحسینی**. از کتابهای کتابخانه صدر در کتابخانه آصفیه دکن نسخه‌هایی مضبوط است از جمله میتوان از کتاب **النصاب فی حساب الوصیه** تألیف سراج‌الدین سجاوندی یاد کرد که مورخ سال ۷۶۸ است.

۱۵۷ - کتابخانه صوفی آباد سمنان : رکن‌الدین ابوالمکارم علاءالدوله احمدبن شرف‌الدین محمدبن احمدبن محمد بیابانکی سمنانی از عارفان نامدار ایران است که بسال ۶۸۷ پس از ترك مقامات دیوانی انزوا گزید و در سال ۷۲۰ در نزدیکی سمنان^{۱۰} خانقاهی پی افکند و در آنجا بارشاد و دستگیری و راهنمایی طالبان حقیقت پرداخت و آنرا صوفی‌آباد نام نهاد.

علاءالدوله سمنانی آثار بسیاری در ادب و عرفان دارد که آنها را باید از آثار فصیح و بلیغ زبان فارسی دانست، این عارف نامی در صوفی‌آباد که بنائی بس عظیم و بلند مرتبه بود برای شاگردانش کتابخانه‌ای ترتیب داد تا پژوهندگان معرفت را گنجینه‌ای گرانقدر و طالبان وادی‌طلب را مرجع و ملجأ باشد. صوفی‌آباد برای عارفان ایران پیش از یک قرن مرکزیت علمی داشت و در آن عرفای نامی به هدایت و راهنمایی صرف عمر میکردند. علاءالدوله سمنانی پس از درگذشت در خانقاهش بخاک سپرده شد و مزار پر انوارش مطاف اهل دل گردید. هم‌اکنون نیز آثاری از این بنای عظیم برجاست و یاد از شکوه گذشته خود میکند.

امیر اقبال سیستانی یکی از شاگردان بناמש رساله‌ای در شرح حال و احوال و مناقب او نوشته که برای اهل تحقیق بسیار ارزنده است.

نکته : در پایان این مقال بجاست از پادشاهان هرمز و جزائرخلیج فارس نیز یاد کنیم زیرا آنها چند قرن از پاسداران زبان و فرهنگ و از حامیان و مرّوجان ادب و سنن ایران بودند، بخصوص دوتن از پادشاهان نامی هرمز، **قطب‌الدین تهمتن** و **توران‌شاه بن قطب‌الدین**.
توران‌شاه بن قطب‌الدین مردی بسیار فضل‌دوست بود و از ۷۴۷ - ۷۷۹ هـ. باشکوه و شوکتی

۹ - تاریخ مفصل ایران تألیف اقبال آشتیانی ج ۱ ص ۴۸۸.

۱۰ - امروز این قسمت در جوار شهر سمنان قرار دارد و در این تاریخچه عکس فعلی بنای صوفی‌آباد را بنظر خوانندگان رسانیده‌ایم.

بسیار پادشاهی کرد و همین پادشاه شاعر پروراست که صلت‌های گرانقدر برای خواجه حافظ شیرازی میفرستاده است و خواجه نیز او را در دوغزل مدح گفته است. شاهنامه‌ای نیز در تاریخ دودمان این پادشاهان سروده شده که متأسفانه يك نسخه بیشتر از آن بدست نیست. آنچه مسلم است این خاندان نیز کتابخانه‌هایی داشته‌اند لیکن هیچگونه اطلاعی از آن بدست نیست همین اندازه به تذکری بسنده شد.

اثرات شوم حمله مغول و رکود بازار فضل و ادب

در این تاریخچه میتوان بروشنی و وضوح آثار و عواقب ناگوار حمله مغول و تاتار را مورد بررسی قرار داد. چنانکه خواهد آمد از سال ۶۲۰ - ۸۰۰ ه. هیچگونه آثاری از احداث مدارس و دارالعلم‌ها در شهرهای خراسان بزرگ و آذربایجان و عراق نمی‌بینیم و آنچه میتوانیم در طی سالهای از ۶۲۰ - ۸۰۰ از این قبیل آثار نشانی در کتابها بدست آوریم منحصراً محدود است به فارس و یزد و احياناً اصفهان و این نیز بدان سبب و جهت است که فارس به‌همت اتابکان سلغری و یزد در اثر نرماش اتابکان یزد از کشتار و خرابی مغول مصون ماندند، شهرستان یزد با اینکه منطقه‌ای کم‌آب و کم‌جمعیت بود چون از دستبرد و تاراج و خرابی و قحط غلامان ماند، مردم بی‌پناه و آواره شهرستانهای دیگر ایران که از تیغ خانان مغول و قتل‌عام‌های دسته‌جمعی و گرسنگی و وبا نیمه‌جانی بدر برده بودند از اطراف خراسان و ری روی بدانجا نهادند تا آنجا که شهر یزد دیگر گنجایش پذیرائی آوارگان و پناهندگان را نداشت و بناچار مردم در اطراف با روی شهر یزد دیگر گنجایش پذیرائی آوارگان و پناهندگان را نداشت و بناچار مردم در اطراف باروی پدرش به حکومت یزد رسید ناچار شد باروی قدیمی شهر را خراب کند و بارویی بسازد که محله‌های جدید را نیز در برگیرد و از این زمان است که شهر یزد سرعت رو با بادی و عمران میگذارد و شهری پر جمعیت و بزرگ میشود تا جائیکه مطمح نظر نصرت‌الدین شاه یحیی مظفری قرار می‌گیرد و سالیان دراز مقرر سلطنت و حکومت او میگردد.

دانشمندان و علما و مشاهیر و طالب علمانی که از اکناف ایران زنده مانده بودند بآن شهر دور افتاده و آرام روی نهاده بودند و تجمع آنان سبب شده که امراء و وزراء و صدور و مردم دانش‌دوست و خیراندیش تشویق به ساختن مدارس و دارالعلم‌ها شدند و در طی سالهای از ۷۱۲ - ۸۰۰ هجری دارالعلم‌های بسیاری در یزد ساخته شد که بالنتیجه این شهر کوچک بلقب دارالعلم ملقب گردید و بطوریکه در صفحات آینده خواهد آمد در طی سالهای از ۶۱۲ - تا حدود هشتصد هجری، هیچگونه آثاری از تجدید حیات علمی و ادبی در شهرهای خراسان و آذربایجان و عراق نمی‌بینیم. ایلخانان جز در تبریز و سلطانیه و مراغه که تحت عنوان دانشگاه‌های پنجگانه دوران مغول از آنها یاد کردیم کار برجسته دیگری انجام ندادند.

طی حکومت خاندان اینجو در فارس، در شیراز تنها در زمان شاه شیخ ابواسحق که مردی علم دوست بود مدت کوتاهی توجه باریاب معرفت و علم مبذول گشت و نتیجه آن تألیف چند کتاب بنام شاه شیخ ابواسحق و ظهور سخنورانی شهیر چون عبید و خواجه و خواجه حافظ شیرازی بوده است. متأسفانه لجاج شاه شیخ ابواسحق با حکومت امیر مبارزالدین محمد مظفری در کرمان و یزد سبب شد که دوران حکومت این پادشاه کریم و فضل دوست بمبارزه و محاربه با امیر مبارزالدین بگذرد و حاصل کشمکش و جنگهای هفتگانه او با امیر مبارزالدین برای اصفهان و یزد و شیراز و کرمان خرابی بی‌آورد و سرانجام بادستگیری و قتل شاه شیخ به زوال دودمان اینجو پایان پذیرد. در حکومت مظفری‌ها نیز تنها در زمان شاه شجاع که مردی دانشمند و شاعر و نویسنده بود توجه خاصی باریاب علم و ادب مبذول میگشت و در زمان او حوزه‌های علمی اندک رونقی گرفت لیکن جدال او با برادرانش شاه محمود و برادرزادگانش نیز نمیگذشت این مرد فضل‌دوست در راه

گسترش علم و معرفت و رونق کتاب و مدرسه، آنچنانکه انتظار میرفت اقداماتی چشم گیر و قابل توجه بعمل آورد.

در بغداد و آذربایجان نیز شیخ اویس ایلکانی که مردی دانشمند و هنردوست بود کوشید که هنرمندان و نویسندگان را به پایتخت‌های تبریز و بغداد جلب و جذب کند و تاحدی توفیق یافت و سلطان احمد جلایر نیز در این راه بذل جهدی کرد لیکن چون مدت سلطنت و حکومت آنان دیری نپائید حوزه‌های علمی بغداد و تبریز هیچیک رونقی نگرفت.

پادشاهان آق‌قویونلو در عراق و قسمتی از آذربایجان توانستند اندک زمانی بمجلب و پرورش نویسندگان و هنرمندان توفیق یابند و بنیان مدارس بگذارند و کتابخانه‌هایی تأسیس کنند که بجای خود خواهد آمد.

۱۵۸ - کتابخانه مدرسه مظفریه می‌شد یزد: این مدرسه از بناهای امیر مظفر مبارزی پدر امیر مبارزالدین محمد بوده است که آنرا در حدود سال ۷۰۰ هجری ساخت و در یزد شهرت فراوانی بدست آورد و نزدیک یک قرن مرکز علما و طلاب بود، مدفن امیر مظفر نیز در این مدرسه است، کتابهای کتابخانه این مدرسه همه از کتب فقهی بوده است.

۱۵۹ - کتابخانه مدرسه نصرتیه یزد: شاه یحیی مظفری این مدرسه را در یزد بسال ۷۷۷ در جنب خانقاه و مدرسه جدش امیر مظفر ساخت و آنرا بنام خودش نصرتیه نام نهاد و بازار و دو کاکین دارالبطیخ را نیز وقف بر آن کرد، پس از اینکه بدست امیر تیمور خود و پسرش جهانگیر کشته شدند جسدشان را در همین مدرسه بخاک سپردند.

۱۶۰ - کتابخانه مدرسه اتابک یزد: مدرسه اتابک سام و کتابخانه آن از مستحدثات اتابک یوسف‌شاه، از اتابکان یزد بود که در بیرون شهر قرار داشته و بسال ۷۴۷ که امیر مبارزالدین محمد یزد را بتصرف آورد و بر قسمتی از محلات بیرون شهر یزد از جمله بر اطراف باغ بهشتی و کوچه محمد جلال و کوچه دارالشفاء حصار کشید این مدرسه نیز داخل شهر یزد قرار گرفت.

۱۶۱ - کتابخانه مدرسه صفوتیه یزد: سلطان محمود شاه بن ابومنصور سلطان قطب‌الدین که دخترش کردوجین را بعقد قآن‌خان در آورد در جوار مدرسه رکنیه مدرسه‌ای عالی بسال ۶۳۷ طرح افکند لیکن عمرش کفاف آن را نداد که باتمام آن توفیق یابد همسرش این بنا را باتمام رسانید و چون با نظارت صفوت‌الدین یاقوت ترکان اتمام پذیرفت بمدرسه صفوتیه معروف شده بود. این مدرسه و کتابخانه آن از مدارس عالی و بنام شهر یزد بوده است.

۱۶۲ - کتابخانه مدرسه رکنیه یزد: جامع مفیدی درباره این مدرسه و کتابخانه آن چنین مینویسد: «... بانی آن عمارت فلک ارتفاع که مشهور و معروف گشته بهام البقاع ۱۱ سلاله خاندان مصطفوی دوحه چمن مرتضوی سید رکن‌الدین محمد حسین بوده و این عمارت بر علو همت آن جناب دلالت میکند. در گاه رفیعش رشک معموره آفاق، و رفعت مناره او باقامت و دل‌آرایی در روی زمین طاق، گنبد و صفه و غرفه‌های او غرفات و شرفات جنان (را) نشانه‌ای... و اتمام این بقعه شریفه که مضمون کلمه: «روضه من ریاض الجنة» در شأن او آیتی است در سنه خمس و عشرين و سبعمائه ۷۲۵ اتفاق افتاده و سبب بنای آن در مقام سیوم همین مجلد در احوال سید رکن‌الدین محمد بانی، سمت تحریر یافته و در شهر سنه اثنی و ثلثین و سبعمائه که حضرت بانی بعالم جاودانی شتافت در گنبد بقعه مذکور دفن گردید و اکنون اکابر و اصاغر و مقیم و مسافر در آن مزار متبرک تبرک و تیمن میجویند و بیای عجز و نیاز تردد مینمایند و بجهت مطالب در این دعا کرده شرف استجابت درمی‌یابند.

در تاریخ جدید یزد مذکور است^{۱۱} که «حضرت سید رکن‌الدین محمد در جنب مدرسه مزبوره کتابخانه ساخته و سه هزار جلد کتاب وقف طلبه علوم نمود و چندان از قراء و مزارع و باغات

۱۱- جامع مفیدی بکوشش ایرج افشار ج سوم مقاله چهارم ص ۶۵۵.

۱۲- ص ۸۱ - ۸۹.

ود کاکین و خان و طواحین وقف نموده که محاسب و هم از تعداد آن بعجز و قصور اعتراف دارد»^{۱۳}.

۱۶۳ - کتابخانه مدرسه حسینیان یزد : این مدرسه از مدارس معتبر و قدیمی یزد بوده که بسال ۷۲۶ هـ . وسیله امیر شرف‌الدین حسین پدر امیر معین‌الدین اشرف ساخته شده و مجمع طلاب علوم دینی (شیعی) بوده و بدیهی است کتابهای کتابخانه آن نیز کتب فقه و اصول و شرایع شیعی بوده است .

۱۶۴ - کتابخانه مدرسه میر آخوریه یزد : این مدرسه از مدارس زمان امیر مبارزالدین محمد مظفری است که میر آخور او بسال ۷۲۹ آنرا بانضمام مسجدی رفیع بساخت و کتابخانه آنرا وقف طلاب علوم دینی کرد .

۱۶۵ - کتابخانه مدرسه حافظیه اهرستان یزد : قاضی ندوشنی مولانا امام‌الدین علی معمار آنرا بدستور سلطان امیرزاده اسکندر بسال ۷۱۲ ساخته بود و چون آرامگاه حافظ رازی در آنجاست بنام مدرسه حافظیه نامبردار گردیده است .

۱۶۶ - کتابخانه مدرسه غیاثیه یزد : بانی آن مرتضی اعظم امیر غیاث‌الدین وزیر امیر شاه شیخ ابواسحق اینجو بوده است که آنرا بسال ۷۴۰ بنا کرده بود . کتابخانه این مدرسه نیز از کتابخانه‌های قابل ذکر است .

۱۶۷ - کتابخانه مدرسه شمسیه در محله چهارمنار یزد : مرتضی اعظم ، شمس‌الدین بن رکن‌الدین بسال ۷۲۷ آنرا ساخته بود و بر آن موقوفات بسیار وقف کرده بود . این مدرسه و کتابهای آن برای شیعیان یزد و فارس بوده است^{۱۴} .

۱۶۸ - کتابخانه مدرسه خانقاه رشیدییه یزد : بانی این مدرسه و خانقاه خواجه رشیدالدین فضل‌الله بن ابی‌الخیر همدانی بوده است که آنرا بسال ۷۲۵ ساخته و اختصاص به متصوفه و عرفا داشته است (شرح حال خواجه رشیدالدین به تفصیل گذشت)^{۱۵} .

۱۶۹ - کتابخانه مدرسه کمالیه یزد : بانی این مدرسه عالی خواجه کمال‌الدین ابوالمعالی بن خواجه برهان‌الدین وزیر امیر مبارزالدین محمد مظفری بوده است ، در این مدرسه جز کتابخانه داروخانه (بیت‌الادویه) و دارالشفاء و گرمابه هم برای طلاب علوم ساخته و تأسیس کرده بودند بنای مدرسه و کتابخانه آن همه پاکاشی‌های نقاشی‌شده مزین بوده و برای اداره امور آن موقوفات بسیار وقف کرده بودند این مدرسه بسال ۷۲۰ بنایش پایان یافته بوده است^{۱۶} .

۱۷۰ - کتابخانه مدرسه صفائیه یزد : تاریخ یزد درباره این مدرسه و کتابخانه آن مینویسد: «مدرسه‌ای مروج و عالی است و درگاهی رفیع با دومنار بتکلف دارد و تمام مدرسه بکاشی تزیین دارد و زاویه و کتب‌خانه نیکو دارد . بانی آن مولانا ضیاء‌الدین حسین بن رضی‌بن مولانا شرف‌الدین علی است.» این مدرسه و کتابخانه آن بسال ۷۰۵ هـ . ساخته شده بود^{۱۷} .

۱۷۱ - کتابخانه دارالشفاء شیراز : این مدرسه که در آن علم طب نیز آموخته می‌شد و مدتها مولانا سید شریف جرجانی عالم شهیر منصب تدریس آنرا برعهده داشته است از مستحدثات شاه شجاع مظفری در شیراز بوده است که در حدود سال ۷۵۷ آنرا بنا نهاده بود^{۱۸} .

۱۷۲ - کتابخانه مدرسه صاعديه مشهور به - بسحاقیه : بانی این مدرسه وزیر دانشمند و سخنور نامور رکن‌الدین صاعد ، وزیر امیر مبارزالدین و شاه شجاع بوده است که آنرا بسال

۱۳- بطوریکه بکرات متذکر شده‌ایم مدارس قدیمه همگی کتابخانه داشته‌اند و مدرسه بدون کتابخانه به مسجد بی‌گنبد و محراب و شبستان و شبیر بی‌یال و دم و آشکم می‌ماند . این مورد نیز دلیل و سند دیگری است بر صدق وصحت نظر نویسنده در این مورد .

۱۴- تاریخ جدید یزد ص ۸۸ .

۱۵- تاریخ جدید یزد ص ۹۳ .

۱۶- تاریخ جدید یزد ص ۹۳ .

۱۷- تاریخ جدید یزد ص ۹۳ .

۱۸- جامع مفیدی ص ۱۳۲ .

۷۶۲ بنا نهاد و چون معروف است که آرامگاه بسحاق اطعمه در مدرسه مذکور است به بسحاقیه شهرت یافته است .

۱۷۳ - مدرسه غیاثیه معروف به گنبد کبیر یزد : بانی آن امیر غیاث‌الدین محمود بن قطب‌الدین سلیمان‌شاه از نزدیکان شاه‌شجاع مظفری بوده است که مدرسه را بسال ۷۸۱ بنا کرده و موقوفاتی بسیار برای اداره امور آن اختصاص داده بوده است .

۱۷۴ - مدرسه خواجه حاجی ابوالمعالی یزد : این مدرسه علاوه بر کتابخانه برای آسایش طلاب مقیم مدرسه گرمابه‌ای نیز داشته است و بانی آن خواجه ابوالمعالی بوده که آنرا بسال ۷۸۷ بنا کرده بوده است . طبیبی‌های منقش این مدرسه شهرتی داشته است^{۱۹} .

۱۷۵ - مدرسه ضیائیه سرپولک یزد : خواجه ضیاء‌الدین محمد وزیر آنرا ساخت و در جوار مدرسه بازارچه‌ای نیز احداث کرد که وقف مدرسه بود تاریخ اتمام بنای این مدرسه را ۷۸۸ نوشته‌اند^{۲۰} .

۱۷۶ - کتابخانه مدرسه خواجه شهاب‌الدین قاسم طراز ، یزد : خواجه شهاب‌الدین قاسم مشهور به طراز این مدرسه را بسال ۷۸۷ ساخته و بنای آن از نظر کاشی‌کاریهای تراش ممتاز و بی‌نظیر بوده است .

۱۷۷ - کتابخانه مدرسه خانزاده خاتون یزد : خانزاده دختر سلطان مبارز‌الدین محمد بوده است و او یکی از بانوان فرهنگ‌دوست و روشن‌فکر دودمان مظفری است . بنای این مدرسه بسال ۷۸۶ بوده است .

۱۷۸ - کتابخانه مدرسه اصیله دهرک یزد : اصیل‌الدین محمد بن مظفر بانی این مدرسه بوده است و بطوریکه در جامع مفیدی و تاریخ جدید یزد آمده است ، یکی از مدارس رفیع یزد بوده و جز کتابخانه، گرمابه نیز برای طلاب داشته و کاروانسرا و مسجدی نیز بآن منضم ساخته بودند و علاوه بر کاروانسرا موقوفات دیگری هم بر آن وقف شده بود تا هزینه‌های عمومی و روزمره مدرسه را کفایت کند. این مدرسه سالیان دراز مجمع طلاب علوم بود . تاریخ بنای مدرسه و کتابخانه آن سال ۷۸۷ هـ . است .

۱۷۹ - کتابخانه مدرسه خاتونیه یزد : خاتون بانو نوه امیر مبارز‌الدین محمد و خواهر شاه منصور و شاه حبیبی مظفری است. این بانو از بانوان خیراندیش دودمان مظفری بوده است . مدرسه او یکی از مدارس نام‌آور و شهیر قرن هشتم و نهم است . در این مدرسه اکثر اولاد و احفاد آل مظفر که بدست تیمور بقتل رسیدند مدفونند . تاریخ بنای مدرسه سال ۷۸۰ هـ . است .

۱۸۰ - کتابخانه مدرسه قطبیه سرپولک یزد : خواجه قطب‌الدین محمود ، در جوار مزار پدرش خواجه علی مدرسه‌ای عالی ساخت و آنرا بنام خودش قطبیه نام نهاد. کتابخانه مدرسه قطبیه از کتابخانه‌های قابل استفاده طالبان علوم بوده است . بنای این مدرسه بسال ۸۳۲ هـ . بوده است .

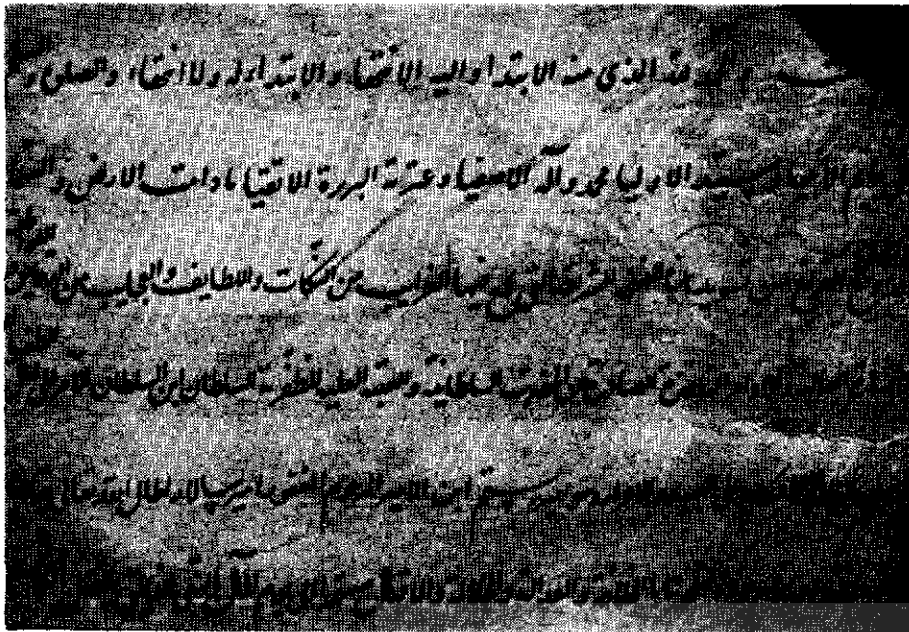
۱۸۱ - کتابخانه مدرسه باوردیه بموضع اسکندر یزد : فرزندان صدرالدین ایبوردی ، خواجه شمس‌الدین محمد ، خواجه زین‌العابدین این مدرسه را بسال ۸۴۲ ساخته بوده‌اند و کتابخانه آن مرجع طلاب علوم دینی بوده است .

۱۸۲ - کتابخانه مدرسه یوسف چهر یزد : ابویوسف بن حاجی حبیبی مشهور به چهره از طرف امیر جلال‌الدین چغماق بامر حکومت یزد منصوب شد و در تاریخ ۸۳۴ در محله دهوک سفلی مدرسه‌ای عالی ساخت که بنامش یوسف‌چهر خوانده شد . این مدرسه نیز کتابخانه‌ای برای استفاده طالبان داشت^{۲۱} .

۱۹- این مدرسه جز مدرسه خواجه کمال‌الدین ابوالمعالی است زیرا بنای مدرسه کمالیه سال ۷۲۰ بوده است .

۲۰- تاریخ جدید یزد .

۲۱- جامع مفیدی ج ۳ . قسمت ۲ ص ۶۵۹ .



نسخه‌ای که برای کتابخانه سلطان امیر رستم بن امیرسالار استنساخ شده است این نسخه متعلق
 بکتابخانه‌های فخرالدین نصیری امینی است .

۱۸۳ - کتابخانه محمود بن ملک‌شاه آملی - در آمل : این پادشاه که بین سالهای ۷۹۰ -
 ۸۰۰ - حکومت مازندران را داشته در آمل کتابخانه‌ای معتبر و بزرگ فراهم آورد . از کتابخانه‌او
 کتابهایی در کتابخانه‌های جهان توان یافت . از جمله کتاب شماره ۳۵۸۹ کتابخانه آستانه قدس
 رضوی است .

۱۸۴ - کتابخانه مدرسه سلطان بخت‌آغا - اصفهان : سلطان بخت‌آغا دختر سلطان
 غیاث‌الدین کیخسرو اینجو همسر شاه محمود مظفری بوده است . این بانوی فاضله بسیار شجاع
 و زکی و هوشمند و مدبّر بود . در زمان حیاتش مدرسه بسیار عالی در اصفهان ساخت و خود او
 یکی از مروجان فرهنگ و ادب بود . سرانجام بدست شوهرش خفه شد و جسدش را در مدرسه‌ای
 که بنا کرده بود بجا گذاشتند . این مدرسه هنوز پابرجاست و از بناهای دیدنی اصفهان است تاریخ
 بنای آن ۷۶۹ هـ . است .

۱۸۶ - کتابخانه شیخ صدرالدین جنید شیرازی : شیخ صدرالدین جنید بن فضل‌الدین
 شیخ عبدالرحمن بزغش شیرازی مؤلف ذیل عوارف المعارف از دانشمندان شهیر ایرانست - این
 دانشمند عالیقدر در شیراز کتابخانه‌ای نفیس فراهم آورد و کتابهای کتابخانه او از کتابهای نفیس
 و نادرالوجود بوده است . نسخه‌ای از کتابهای کتابخانه او که در سال ۷۷۵ - استنساخ گردیده
 در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است^{۲۴} .

۱۸۷ - کتابخانه باباقاسم اصفهانی : باباقاسم اصفهانی یکی از عرفای نامی اوائل قرن
 هشتم است که در اصفهان میزیسته ، یکی از مریدانش بنام سعدالدین سلیمان ابی‌الحسن طالوت
 دامغانی بمنظور اینکه استادش حوزه ارشاد و مجلس بحث و درس داشته باشد بسال ۷۲۵ هـ . در اصفهان
 مدرسه‌ای عالی ساخت و در اختیار استادش گذاشت ، این مدرسه بسرپرستی باباقاسم سالها مرکز

۲۲- فهرست کتب خطی آستانه ج ۴ ص ۴۲۰ .

ارشاد طالبان حق بود . هم اکنون بنای این مدرسه رفیع برپاست و کاشی کاریهای آن از زمره کاشی کاریهای هنری و کم نظیر اصفهان است . این مدرسه از قدیمترین مدارس طلبه نشین اصفهان بوده است .

۱۸۸ - کتابخانه خانقاه خلوتی : سیدیحیی بن بهاء الدین شیروانی ، در جوانی بطریقه خلوتی پیوست و این طریقه از فروع طریقت نقشبندیه است . او دست ارادت به شیخ صدرالدین خلوتی داد و پس از طی مراحل کمال ببادکوبه رفت و در آنجا بارشاد پرداخت و برای این منظور بنای مدرسه ای عظیم را پی افکند و در مدرسه کتابخانه ای معتبر و غنی فراهم آورد و در جوار مدرسه خانقاه و معبدی هم ساخت . گویند بیش از ده هزار مرید برای او گرد آمده بوده اند . سید یحیی تألیفاتی هم دارد از جمله اسرار الطالبین و شفاء الاسرار و اسرار الواح و شرح گلشن راز ، خلوتی سال ۸۶۸ در گذشته و در خانقاهش بجاگ سیرده شده است .

۱۸۹ - کتابخانه خواجه ملک اصفهان : مدرسه خواجه ملک از مدارسی است که قبل از صفویه در اصفهان بنا گردیده و بنای آن فعلاً در جوار مسجد شیخ لطف الله قرار دارد . این مدرسه قرنهای در اصفهان مرکزیت علمی داشته و علما و دانشمندان بنامی از این مدرسه فارغ التحصیل شده اند . مولانا محمدزمان تبریزی در کتاب فرایده الفوائد شرح حال دانشمندی را بدست میدهد که در مدرسه خواجه ملک به تحصیل پرداخته و از آنجا فارغ التحصیل شده اند و بمقامات عالی علمی رسیده اند از جمله حکیم شمس الدین گیلانی مؤلف حاشیه بر شرح حکمة العین ، و مولانا حسین گیلانی که او را در دانش و حکمت و حید العصر لقب داده اند - و امیرسید حسینی عاملی و امیر قوام الدین تهرانی مؤلف عین الحکمه و حاج محمد مؤمن مؤلف روضات الجنات که در معرفی این مدرسه نوشته است و هی من اکثر مدارس البلده المشار الیه بر کتبه و ادفرها تأثیراً فی بلوغ طلبة العلوم الی معارج العلم والیقین .

این مدرسه قدیمی در زمان بنای مسجد شیخ لطف الله به همت شاه عباس بزرگ تعمیر شد و مدرسی آن به شیخ لطف الله میسی عاملی واگذار گردیده بود از جمله طالب علمان این مدرسه میتوان از آقا حسین خونساری بزرگ یاد کرد که در این دارالعلم به تحصیل پرداخته و بشرحی که خود او نوشته است دوران تحصیل برای او بسیار سخت میگذشته است . کتابخانه این مدرسه که مرجع مراجعه دانشمندان بوده از کتابخانه های عظیم و معتبر اصفهان بشمار میرفته است .

۱۹۰ - کتابخانه شیخ صفی الدین اردبیلی : شیخ صفی الدین اردبیلی در سال ۷۰۰ هـ . جانشین و خلیفه شیخ زاهد گیلانی شد و از همان زمان در اردبیل طرح خانقاه افکند و دعوت او در میان شیعیان قبول عام یافت و حتی مغولان نیز باو ارادتی عظیم میورزیدند . خواجه رشیدالدین فضل الله در نامه ای که باو نوشته و ضمن مکتوبات او موجود است ضمن عرض ارادت برای او حواله ای فرستاده تا خرج خانقاه خود کند . شیخ صفی الدین اردبیلی جد خاندان صفویه چون مریدان خود را تعلیم میداد در حقیقت خانقاهش مدرسه ای برای ارشاد پیروانش بود و از همان اوان ایجاد خانقاه کتابخانه ای نیز احداث و تأسیس شده بوده است . و مریدان شیخ از اطراف و اکناف کتابهای نفیس به کتابخانه مراد خود تقدیم میداشته اند .

پس از مرگ شیخ صفی الدین اردبیلی چون در همان خانقاه آرامید ، خانقاه به آرامگاه او تبدیل شد و کتابخانه آرامگاه که ضمناً مجمع پیروان و دوستارانش بود رونق گرفت و پس از تشکیل دولت صفویه توجه بآرامگاه شیخ صفی موجب ترقی و کمال آن گردید .

شاه عباس بزرگ نیز خود کتابهایی به کتابخانه آرامگاه شیخ صفی اهدا و وقف کرده بود^{۲۳} این کتابخانه عظیم و نفیس متأسفانه دچار سوانحی شد . کتابخانه شیخ صفی تا زمانیکه افندی مؤلف ریاض العلماء حیات داشته رونق و اعتبار خود را از دست نداده بوده است .

۲۳- از کتابهاییکه شاه عباس بزرگ در سال ۱۰۱۷ بآرامگاه شاه صفی وقف کرده است مجلداتی از آن کتابهای نفیس در موزه ایران باستان موجود است .

آدام اورلثاری که در سنه ۱۶۳۷ میلادی از آن دیدن کرده مینویسد: «... صدها کتاب خطی بزبان فارسی و عربی و ترکی در کتابخانه شیخ صفی موجود است که هم از نظر هنر و هم از لحاظ معنی در جهان نادر و بی‌مانند است.»

جان موریر انگلیسی نویسنده حاجی بابا که در سال ۱۸۱۲ میلادی از کتابخانه شیخ صفی دیدن کرده است مینویسد: «... کتابها بروی هم انباشته شده و بیم آن میرود که طعمه بید و موریا نه شود.»

هم‌زمان با نوشته جان موریر در زمان فتحعلیشاه قاجار و وقایع آذربایجان چون پرفسور شرق‌شناس روس سنکوسکی با آثار ادبی شرق علاقه‌مند بود از گریبایدوف که او نیز مردی نویسنده بود و آن هنگام همراه نیروی دولت روسیه در آذربایجان می‌بود، خواست که از کتابهای خطی فارسی کتابخانه شیخ صفی استفاده کند. سرانجام در ۲۵ ژانویه سال ۱۸۲۸ م. بشرحی که در کتاب گریبایدوف در گرجستان و ایران^{۴۴} آمده است کتابهای کتابخانه شاه صفی را بعنوان امانت بمنظور مطالعه به تفلیس بردند^{۴۵} و هم‌اکنون بنای این آرامگاه رفیع که یکی از شاهکارهای معماری و کاشی‌کاری ایران است بجاست.

ظهور تیمور - مکتب ادبی و هنری هرات

بررسی دقیق و واقع‌نگری نسبت برویدادهائیکه نتیجه ظهور تیمور در ایرانست کاری بس خطیر و دشوار است جهانگشائی تیمور گرچه در ایران خرابیها و خونریزیهای بی‌آورد لیکن سبب تحول و دگرگونی شگفت‌انگیزی در بسیاری از شئون اجتماعی و فرهنگی شده !!

آثار شوم سانحه و فاجعه مغول از يك طرف و پدید آمدن ملوک‌الطوایفی و حکومت‌های خانجانی که ایلخانان موجد آن بوده‌اند از طرف دیگر، در اطراف و اکناف ایران چنان هرج و مرج و ناامنی و عدم ثبات بوجود آورده بود که هیچکس در هیچ نقطه از ایران بر فردای خود اطمینان نداشت. پس از مرگ شاه شجاع مظفری فارس و اصفهان و یزد و کرمان و خوزستان و شبانکاره و جزایر، میان برادران و فرزندان شاه شجاع دست بدست میگشت و اوضاع آذربایجان و همدان و لرستان و کردستان و خراسان نیز وضعی آشفته‌تر از فارس داشت.

دراثر نزاعهای خانوادگی و لشکرکشی‌های موضعی و بی‌دری، کشتزارها به بیابانهای خشک و سوزان مبدل می‌شد و کمبود خواربار و در نتیجه آثار فقر و ادبار مردم شهر نشین را نیز دچار تنگدستی و فلاکت ساخته بود.

مردم از آن نابسامانی که زائیده خودخواهی گروهی جاه‌طلب و خودکامه بودند بجان آمده و بیگانه راه علاج و تثبیت اوضاع زمان را بسته بظهور پادشاهی مقتدر و مدبّر میدانستند و برای وقوع چنین حادثه‌ای روزشماری میکردند.

امیر تیمور در تزویش مدعی است که مردم فارس و کرمان و یزد و خوزستان از ستمگرهای شاهزادگان مظفری باو ملتجی شده و خواسته‌اند که آنان را از آن (بلا) نجات بخشد. تیمور نیز پس از تصرف اصفهان و فارس و یزد و کرمان کلیه شاهزادگان مظفری را یکجا کشت تا مردم از شر وجودشان خلاصی یابند!

این يك حقیقت تلخ تاریخی است! خواجه حافظ شیرازی در غزلی نغز و پر مغز بر آن اوضاع نابسامان و ناگوار، افسرده‌خاطر و ملول اشک‌تحرس میبارد و از آن چنان (زمانه عجیب) که ناظر و شاهد آنست اظهار تأثر میکند و میخواهد و آرزو میکند که برای مداوای مزاج علیل و بیمار زمان خداوند حکیمی مدبّر و راهنمائی روشن بین بفرستد و مردم را از (بلا) نجات ورهائی بخشد. ثبت این غزل و توجه بمعانی آیات شیوای آن در اینموقع و مقام مناسب و بجاست.

۲۴- تألیف کنی کولوپوف طبع بادکوبه ۱۹۳۰.

۲۵- تاریخ روابط علمی شرق و اروپا و روسیه منطبقه لنین گراد.



راست : آرامگاه حَمَد مستوفی در قزوین چپ این بنای عظیم مدرسه عضدی است ترکان خاتون همسر سعدین ابوبکر سعد زنگی ساخت و آرامگاه او ابش خاتون نیز آنجا بود. این بنا در کنار گورستان دارالاسلم شیراز است و در میان شیرازیان به آرامگاه ریش خاتون معروف است افسوس که این بنای تاریخی رو به انهدام گذاشته است

فراغتی و کتابی و گوشه‌ی چمنی
اگرچه در پی‌ام افتند خلق انجمنی
در این چمن که گلی بوده است یا سمنی
که کس بیاد ندارد چنین عجب زمینی
عجب که بوی گلی هست و رنگ نسترنی
چنین عزیز نگینی بدست اهرمنی

دو یار زیرک و از باده‌ی کهن دومی
من این مقام بدنیا و آخرت ندهم
ز تند باد حوادث نمیتوان دیدن
به بین در آینه جام نقش‌بندی غیب
از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت
بصبر کوش تو ای دل که حق رها نکند

مزاج دهر تبه شد در این بلا حافظ

کجاست فکر حکیمی و رأی برهمنی

باید این حقیقت را پذیرفت که تیمور از مردم سمرقند و ایرانی بوده است و به همین علت به شاعران ایران توجه و علاقه فراوان داشته است. گرچه از نظر تبلیغ و سیاست برای سلطه و اقتدار و دست انداختن به چین و ترکستان و مغولستان برای خود نسب‌نامه مجعول ساخته و خودش را از دودمان چنگیزخان دانسته است.

تتبع در احوال و اعمال تیمور آدمی را از این خلقت ضدونقیض، درآک، باهوش - مصمم به شگفتی و اعجاب و امیدارد. آنچه مسلم است تیمور عشق و علاقه‌ای وافر بصنایع و هنر و ادب ایران داشت و در جمع‌آوری دانشمندان و ارباب حرف و هنر سعی بلیغ مبذول میکرد. خونخواری و خودخواهی و قساوت قلب او نمیتواند مانع از اظهار این نظر گردد که تیمور هر جا را می‌گشود ارباب فضل و ادب را گرامی میداشت و با برگزیدگان اجتماع رفتاری

باعزاز و احترام داشت و آنان را بسمرقندگیل میکرد تا پایتختش بهترین و زیباترین شهرهای جهان گردد.

فرزندان تیمور به تبعیت از او در احیای ادب و فرهنگ و هنر بجان کوشیدند و نتیجه توجه و علاقه و دل بستگی آنان به معماری و هنر و فرهنگ این شد که عصر تیموری یکی از درخشانترین دورانهای تاریخ ادب و هنر گردد.

از آنجائیکه رواج کتاب و ایجاد کتابخانه قبل از اختراع چاپ بستگی مستقیم با رواج خط و هنر خوشنویسی داشته است، بنابراین هر هنگام که از طرف سران و زعمای دولت و بالنتیجه مردم اقبال و توجهی بخط و خوشنویسی مبذول میگردد، کتاب رواج میگرفته و با وجود آمدن کتابها کتابخانهها رونق مییافته است. در این تاریخچه ناچاریم در هر قرن و عصری از نظر بررسی در چگونگی ایجاد و بنیاد کتابخانهها باین اصول توجه داشته باشیم و آنرا مورد نقد قرار دهیم. اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی هر عصر و زمان بهترین نمودار و مبین اوج ترقی یا افول و تنزل هنر کتابنویسی است، امیر تیمور توجه و علاقه خاص به هنر زیبانویسی داشت و خوشنویسان در دربار او بسیار عزیز و گرانقدر میزیستهاند. خطاطان بزرگی که در دستگاه تیمور نام آور شدند بسیارند و برگزیدگان آنها عبارتند از: سید عبدالقادر بن سید عبدالوهاب که خط ثلث را تالی یا قوت مستعصمی مینوشته است. او برای امیر تیمور قرآنی نوشت که باید آنرا از نظر خط و تذهیب از شاهکارهای هنر جهان و نفایس روزگار شمرد. این نسخه بی نظیر هم اکنون در جامع سلطان سلیم اسلامبول نگاهداری میشود. دیگر امیر محمد بدرالدین تبریزی که نویسنده نامه هفتادگزی به خدیومصر از طرف تیمور اوست. هم چنین آلتون تاش که گذشته از خطاطی حکاک عمیق نیز بود و نگین هائیکه او حکاکی کرده بخط ثلث بهتر از خط باقوت است. توجه فوق العاده امیر تیمور به هنر زیبانویسی موجب شد که فرزندان او بخصوص شاهرخ بهادرخان باین هنر دل بستگی پیدا کنند و فرزندان شاهرخ، بای سنقر و الغییک در اثر توجه پدرشان از گاه طفولیت بخوشنویسی پرداختند تا آنجا که بای سنقر میرزا در خط ثلث از برگزیدگان و مشاهیر زیبانویسان ایران شد. توجه شاهرخ بهادرخان سبب شد که در زمان او خوشنویسان ناموری ظهور کنند از جمله عبدالله طباطبای - یحیی سبک فتاحی نیشابوری - نور کمال ماوراءالنهری عبدالله کاتب هروی - پیر محمد صوفی هروی - یحیی صوفی و سر آمد همه خوشنویسان زمان او میرعلی تبریزی که خطوط هفت گانه را استادانه مینوشت و توفیق یافت برای زیاتر نوشتن خط فارسی خط هشتمی ابداع کند که بنام نستعلیق یعنی نسخ کهنه خط نسخ و تعلیق، نام گذاری شده است. و الحق این خط در زیبایی نظیر و تالی ندارد.

در اثر توجه و عنایتی که در زمان شاهرخ بخوشنویسان مبذول می شد، میرعلی تبریزی توفیق یافت که شاگردان بنامی در خط تربیت کند مانند، پسرش عبدالله شیرین قلم و اظهر تبریزی و جعفر بای سنقری، فهرست خوشنویسان دوران شاهرخ و پسرش بای سنقر میرزا خود تذکره ای بزرگ را شامل میگردد و در این مقال تنها به تذکری مختصر بمناسبت موقع و مقام اکتفا می رود. باید توجه داشت که اظهر تبریزی شاگردانی چون سلطانعلی مشهدی پرورش داد که او نیز بسهم خود در دوران سلطان حسین بای قرا خوشنویسانی چون، شاه محمود نیشابوری - سلطان محمد خندان، میرعلی هروی، سلطان محمد نور تربیت کرد که توانستند در هنر کتابنویسی شاهکارهایی بوجود آورند.

در زمان شاهرخ و فرزندان او مدارس و کتابخانههای بسیاری در سراسر ایران بنیاد یافت و چنانکه خواهد آمد بزرگترین کتابخانه جهان در زمان شاهرخ در ایران تأسیس گردید.

شهر هرات در زمان شاهرخ بهادرخان باردیگر مجد و عظمت دوران قبل از حمله مغول را بازیافت و یکی از مراکز مهم علمی و ادبی و هنری آسیا گشت.

در زمان شاهرخ و بای سنقر پایه مکتبی نو در هنر کتابنویسی در ایران گذاشته شد که در جهان بنام مکتب هرات شهرت گرفته است و بدایع هنری این مکتب در هیچ نقطه ای از جهان

ودر هیچ عصری از اعصار وزمان مانند و نظیر نداشته است .

۱۹۱ - کتابخانه بای سنقر میرزا - هرات : قولى که جمله محققان و مورخان بر آنند اینست که غیاث‌الدین میرزا بای سنقر فرزند شاهرخ شاهزاده‌ای بوده است که در تهیه و استنساخ و جمع‌آوری کتاب و رواج هنرهای مربوط بآن تا سرحد جنون عشق میورزیده است .
بای سنقر میرزا در هرات دارالصنایعی برای کتابخانه بی‌مانند و نظیرش فراهم آورد که در آن گروه بیشماری از زبردست‌ترین نویسندگان ، مصوران ، مذهبیان ، وراقان ، صحافان ، جلد‌سازان ، وصاقان ، حل‌کاران ، زرافشانان ، بکار اشتغال داشتند و از انعامهای بی‌حد و شمار آن شاهزاده هنردوست بهره‌ور می‌گشتند . بنوشته دولتشاه سمرقندی در کتابخانه او چهل نفر از خطاطان شهیر شب‌وروز کتابت میکرده‌اند .

تذهیب و تصویر و دیگر فنون و هنرهای متعلق بکتاب در دوران او رواج یافت و اوج گرفت . در هیچ عهد و عصری هنر خط‌نویسی و کتاب‌سازی بآن اندازه رواج نداشته‌است . و در هیچ دورانی باندازه زمان او نسخه‌های نفیس و زیبا نوشته و تذهیب و تصویر نشده‌است . بطوریکه در کمتر کتابخانه‌ای در جهان ممکن است از کتابهای کتابخانه بای سنقر میرزا نسخه‌ای یافت نشود . در اسلامبول در هر کتابخانه‌ای لااقل یک نسخه از کتابهای عهد او را توان یافت ، در کتابخانه جامع اسلامبول نسخه‌ای از کتاب فرج بعد از شدت و هم‌چنین نسخه‌ای از تزهت‌الارواح امیر حسینی هست که هر دوی این کتابها از لحاظ خط و هنرهای تزئینی شایان توجه و زیارت و موجب شگفتی و اعجاب هر بیننده است .

بای سنقر میرزا خود در خط استاد بود و بیشتر خطوط را استادانه مینوشت . خط و خطاطان در هنر نویسنده‌گی او مینویسد : « . . . در ایران چهار نوع خط چهار استاد بی‌مانند دارد . در ثلث بای سنقر میرزا در نستعلیق میرعماد ، در نسخ میرزا احمد نیریزی ، در شکسته عبدالمجید درویش طالقانی » .

بای سنقر میرزا در شعر و خط یکتای زمانه بود برادرش الغیبیک نیز در هندسه نظیر و هم‌تا نداشت در حق برادرش گفته‌اند :

چون الغیبیکی بلم هندسه یافت نتوان در هزاران مدرسه

خلاصه آنکه در هیچ عهد و زمان مانند دوران بای سنقر میرزا علم و هنر آن اندازه ارجمند نبوده و رواج و ترقی نکرد و اهل علم و هنر و معزز و مکرم نریسته‌اند .

بای سنقر میرزا توجه خاصی بخط و نقاشی و تذهیب داشت و خوشنویسانی را که در ایران بودند همه را در هرات گرد آورد و بر آن داشت تا شب‌وروز بکار پردازند و از آثار گرانقدر ادبیات فارسی نسخه‌های دستنویس تهیه کنند و آنها را با تذهیب و تزئین و تشعیر و تصویر زینت دهند و با جلدهای نفیس سوخت و لاکی آنها را بصورت گنجینه‌هایی از مجموع هنر در آورند .

توجه خاص و فوق‌العاده بای سنقر میرزا به تهیه کتابهای نفیس و هنر کتاب سبب گردید که نقاشی و تذهیب و خطاطی و وصاقتی و زرافشانی و وصالی و صحافی باوج کمال و ترقی برسد و مکتب هنری هرات که از درخشان‌ترین مکتب‌های هنر ایران است پی‌ریزی شود حبیب‌السیر مینویسد : « . . . به مجالست ارباب علم و کمال بغایت راغب و مایل بود و در تعظیم و تبجیل اصحاب فضل و هنر در هیچ وقتی از اوقات اهمال و اغفال نمی‌نمود و خردمندان کامل از اطراف و اکناف ایران و توران به هرات آمده در آستان مکرمت‌آشیانش مجتمع می‌بودند و بلغاء و افر فراست و فصیحای صاحب‌کیاست از اقطار امصار عراق و فارس و آذربایجان بدرگاه عالم پناهش شتافته صبح و شام ملازمت مینمودند و آن شاهزاده عالیشان در تربیت و رعایت تمامی آن طایفه گرامی کوشیده همه را بوفور انعام و احسان مسرور و شادمان میساخت و هر کس از خوشنویسان و مصوران و نقاشان و مجلدان در کار خویش ترقی میکرد به همگی همت بحالش میبرداخت » ۳۶ .

کتابخانه بایسنقر میرزا یکی از کتابخانه‌های بسیار نفیسی است که در طول تاریخ ایران بوجود آمده و تنها نظیر آن را باید کتابخانه «سلطان حسین میرزا بای‌قرا» که شرح آن هم خواهد آمد دانست.

سخه‌های گرانقدری که از کتابخانه بای‌سنقر و شاهرخ بهادرخان بجای مانده بهترین نمودار ترقی و تکامل فن کتاب‌سازی و هنر تجلید و تذهیب و نقاشی کتاب در ایران است. در کتابخانه سلطنتی ایران نسخه‌های بی‌مانندی از کتابخانه بای‌سنقر میرزا و شاهرخ محفوظ است که از نظر ارزش هنری و مادی نمیتوان برای آن حد و معیاری تعیین کرد.

در کتابخانه آقای حاج محمد نخجوانی^{۲۷} جنگی ارزمند هست که بخط مولانا اظهر تبریزی خوشنویس شاگرد کمال‌الدین جعفر بای‌سنقری خطاط شهیر کتابخانه بای‌سنقر میرزا است. این جنگ حای اشعاری است که خطاطان کتابخانه بای‌سنقر میرزا پس از درگذشت ناگهانی این شاهزاده فضل‌دوست و هنرپرور که در ۳۵ سالگی بناگهان درگذشت سروده و بعنوان تسلیت‌نامه بحضور شاهرخ تقدیم داشته‌اند سیف‌الدین نقاش نیز که از نقاشان کتابخانه او بوده است ترجیع‌بندی ساخته است که هر مصرع اول تاریخ ولادت و هر مصرع دوم تاریخ درگذشت بای‌سنقر میرزا است^{۲۸} و مطلع این ترجیع به‌ثبت روضة‌الصفاء چنین است:

چندانکه گشت چرخ بدوران روزگار نقش وفا نیافت زدوران روزگار (!)

بای‌سنقر میرزا در سنین جوانی دریافت که منجمان در طالع و زایچه او گفته‌اند که در جوانی در خواهد گذشت، از آنگاه که بر این تفأل آگاه شد تغییر حال داد و وجود ذیجودی که سراسر وجودش را عشق به هنر و ادب فرا گرفته و مالا مال ساخته بود، بموجودی منزوی و مغموم مبدل گشت و برای فرار از غم مرگ، روز و شب در باغ سفید هرات و دیگر نزهت‌گاهها مست و لایبقل میگذرانید تا سرانجام در اثر افراط در شرب شراب و مخدرات مسموم شد و در ربیعان جوانی بکام مرگ فرورفت و مرگ او را باید ضایعه جبران‌ناپذیری برای دنیای هنر و ادب بشمار آورد. کتابه‌های مسجد گوهرشاد بیگم که از مستحدثات مادرش بود بخط ثلث از اوست که آنها را به سن بیست سالگی نوشته و از قدرت و قوت و استحکام قلم سحر و معجزی بیادگار گذاشته است. قرآنی نیز بخط ثلث نوشت که طول صحایف آن ۲ گرونیوم بوده است و پدرش شاهرخ صله آنرا خراج یکساله خراسان داد.

این قرآن نفیس پس از گذراندن حوادثی برای امان ماندن از تاراج پس از روی کار آمدن دولت صفویه به آرامگاه سلطان ابراهیم فرزند حضرت رضا علیه‌السلام در قوچان سپرده شده بود. پس از فتح قوچان بدست نادرشاه اوراق این قرآن نفیس بدست لشکریان نادر تاراج شد و نادر پس از اطلاع از این واقعه دستور جمع‌آوری آنرا داد لیکن بسیاری از اوراق آنرا تاراج‌کنندگان شکسته و لت زده بودند.

شاهزاده افسر شاعر قرن اخیر هنگامیکه ریاست معارف (فرهنگ) خراسان را برعهده داشت برای بدست آوردن این قرآن عظیم‌النظیر بقوچان رفت و ضمن کاوش خرابه‌های منضم بآرامگاه سلطان ابراهیم در زیر خاک و خاشاک صندوقی چوبین بدست آورد که خوشبختانه در آن اوراق این قرآن را قرار داده بودند. شاهزاده افسر با کسب اجازه از رضاشاه کبیر قرآن را بموزه آستانه قدس رضوی منتقل ساخت که هم‌اکنون در آنجاست.

رئیس کتابخانه بای‌سنقر میرزا، میرزا جعفر تبریزی خطاط شهیر شاگرد میرعلی تبریزی بوده است. جعفر تبریزی در نوشتن هفت خط استاد بوده و نستعلیق را از استاد خود امیرعلی که مبتکر این شیوه بود آموخت. او شاگردان بنامی در خط تربیت کرد از جمله اظهر تبریزی و حاجی مقصود و احمد رومی را میتوان یاد کرد.

بای‌سنقر میرزا به خط و ربط جعفر تبریزی علاقه داشت و با او اجازه داد که بای‌سنقری

۲۷- چهل مقاله نخجوانی ص ۲۹۲.

۲۸- خط و خطاطان میرزا حبیب اصفهانی، این قسمت بترجمه نویسنده است.

رقم زند. جعفر بای سنقری از طرف بای سنقر میرزا مأمور نوشتن شاهنامه شد و پس از اتمام آن مصوران دارالصنایع شاهرخی برصحایفی از آن سی مجلس بسرپرستی سیف‌الدین نقاش کشیدند که شاهکار هنر نقاشی است و تذهیب آن نیز از بهترین کارهای دوران شاهرخ است و بای سنقر میرزا بر این شاهنامه مقدمه‌ای نوشت که بنامش مقدمه بای سنقری خوانده میشود.^{۳۹} این نسخه بی‌مانند در کتابخانه سلطنتی ایران موجود است.^{۴۰} شمس بای سنقری نیز که از خطاطان شهیر است مأموریت داشت که از دیوانهای شعرا نسخه برداری کند.^{۴۱}

ادوارد برون در تاریخ ادبیات خود متذکر است که بای سنقر میرزا کتاب دوست‌ترین و یانی زیباترین مکتب کتاب سازی در ایران بوده است.^{۴۲} خط و خطاطان مینویسد^{۴۳} «... چهل نفر استادکار و هنرور بریاست مولانا جعفر تیریزی بکتابت و تهیه و استنساخ کتاب مشغول بودند. لوازم کار کتابت و هنرمندان فنون آن از قبیل: وراقان - صحافان - مصوران - مذهبان - مجلدان - وصالان - و صاقان - زرافشانان و دیگر حیرت و اصناف مربوط به هنر کتاب از اکناف و اطراف ایران گرد آمده بودند و آنان در اثر انعام و احسان فراوان که بایشان می‌شد، بدایع صنایع بوجود می‌آوردند و به همین علت و سبب هنر پیشرفت و مکتب تازه‌ای در هنر گشوده شد. نوادر آثاری که در آن زمان بوجود آمده است تا دامن قیامت دست حوادث زمان نمیتواند فرسود و انقلابات جهان نیز نمیتواند بر آن دست یافت. در کشورهای شرقی و غربی در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی و مجموعه‌های شخصی و موزه‌ها ممکن نیست که نمونه‌ای از هنر آن دوران را نداشته باشند.» در جنگی که از آن یاد کردیم ضمن یکی از مراثی چون اشاره‌هایی به چگونگی امور کتابخانه بای سنقر میرزا شده است و نمونه‌ای از عشق و علاقه بای سنقر بکتاب است منتخبی از آنرا می‌آوریم:

از کمال‌الدین جعفر بای سنقری:

شهر یسارا تا برفتی از سر اهل هنر
 یافتی از لطف شه هر کهنه خطی عمر نو
 از مرقع نامه‌ها آید بگوش جان مرا
 خواندن اشعار بی‌معنی شد و صورت حرام
 قطعه‌ای یاقوت دادی قطعه یاقوت را
 گشت خط منسوخ و صورتگر بیجان در مانده است
 داشتی صد برگ جلد نسخه از زر و کنون
 می‌نویسم جنگ و دردم میشود تر ز آب چشم

*
 نسخه‌ها رفتند در جلد سیاه از سوز و دزه

*
 تا محقق گشت بر کتاب عالم این خبر
 تا بتوقیع اجل شد نامه عمرش سبج
 نسخ و تعلیق از غبار غم نسا زد چهره پاک
 از مولانا منشی:

دی در کتابخانه شدم دیدم اندر او
 اهل کتابخانه همه جامه‌ها سیاه
 کاتب سیاه کرده قد و قامت الف
 جمعی بگریه جمله گره برجین زده
 انداخته دوات و قلم بر زمین زده
 بی‌نقطه سیه برخ حرف شین زده .

۲۹- برای اطلاع از ارزش مقدمه بای سنقر به‌یست مقاله قزوینی قسمت دوم مراجعه فرمائید .
 ۳۰- افراد بی‌اطلاع چنان می‌پندارند که نقاشی‌های این شاهنامه کار بهزاد است درحالی‌که بهزاد در آن زمان هنوز متولد هم نشده بوده است .

۳۱- خط و خطاطان .
 ۳۲- از سعدی تا جامی علی‌اصغر حکمت .
 ۳۳- ص ۱۸۲ - ترکی .